

بررسی سیر تحول خط پهلوی اشکانی بر سکه‌های درهم سیمین ضرابخانه‌ی اکباتان

(۵۱-۲۲۸م.)

آمنه بیشه کلایی*

فرح زاهدی**

چکیده

اشکانیان دودمانی از شاهان ایرانی بودند که ۴۷۵ سال بر ایران فرمان راندند. به سبب کمبود منابع نوشتاری آن، سکه‌ها منابع بسیار سودمندی در شناخت شرایط اقتصادی، فرهنگی و هنری این دوران به شمار می‌آیند. با مطالعه بر روی سکه‌های این دوران که دارای نوشته هستند می‌توان چگونگی سیر و تحول خط آن را ارزیابی نمود. در این میان عمده سکه‌های با نوشته‌ی پهلوی اشکانی، درهم‌های سیمین اشکانی ضرب اکباتان، طی سال‌های ۵۱ تا ۲۲۸ میلادی می‌باشند، که اهمیت مطالعه این درهم‌ها را دو چندان می‌نماید.

در این پژوهش سعی بر این است تا ضمن مطالعه خط پهلوی اشکانی شماری از درهم‌های این ضرابخانه را که ضرب سال‌های ۵۱ تا ۲۲۸ میلادی هستند، چگونگی سیر تحول این خط را بررسی کرده و به تحلیل آن پرداخته شود. این امر با استخراج مستقیم

* دانشجوی دکتری رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
bishekolai@gmail.com

** استادیار فرهنگ و زبان‌های باستانی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (نویسنده مسئول)،
zahediut@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۵

نوشته پهلوی اشکانی از روی درهم‌ها و سپس استخراج تک‌تک نویسه‌های خطی مربوط به هر سکه و تدوین جدول تغییرات زمانی نویسه‌ها امکان‌پذیر می‌گردد. با نگاه اجمالی به عمده سکه‌ها درهم این ضرابخانه طی این سالیان، به نظر نمی‌رسد دست‌خط قلم‌زن دستخوش تغییر و تحولات شده باشد که این موضوع با بررسی و مقایسه‌ی تعدادی از دیگر نمونه‌های سکه‌های مورد مطالعه در این پژوهش تأیید شد.

کلیدواژه‌ها: خط، پهلوی اشکانی، سکه، درهم، اکباتان، نویسه.

۱. مقدمه

سکه سندی مکتوب، معتبر و پرمحتوا است که ضرورت شناخت و اهمیت آن از جهات مختلف در مطالعات فرهنگی، تاریخی و باستان‌شناسی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. بر این اساس، سکه‌ها از مهم‌ترین ابزارها و روش‌های پژوهشی برای شناخت تاریخ، فرهنگ و تمدن بشری به شمار می‌روند که به معرفی و تحلیل اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هر دوره کمک شایانی می‌کنند. بررسی سکه‌های اشکانی از دو جهت عمده دارای اهمیت است. نخست این که اشکانیان گرچه دیرپاترین دودمان ایرانی بودند که سالیان دراز برابر ۴۷۵ سال بر ایران‌زمین فرمانروایی کردند اما به دلایل گوناگون، داده‌های تاریخی و باستان‌شناختی کمتری نسبت به دوره‌های مشابه آنان در دسترس است؛ دوم این که اینان مردمانی بودند که ایران را از چنگ قدرت و فرهنگی بیگانه رها کرده و به دامن مردمی ایرانی و فرهنگی شرقی سپردند و استفاده از نویسه‌های خط پهلوی اشکانی که نشان از فرهنگی شرقی دارند در کنار الفبای یونانی و فرهنگ هلنی حاکم بر نخستین سکه‌ها خود نشان‌گر این موضوع است. در این میان سکه‌هایی که دارای خط و کتیبه هستند می‌تواند اطلاعات مفیدی از روند تطور زبان، خط و نگارش دوران اشکانی، در اختیار زبان‌شناسان قرار دهد.

سلطه‌ی اسکندر (= الکساندر) مقدونی و سپس سلوکی‌ها بر ایران موجب رواج زبان و خط یونانی گردید. در نتیجه، استفاده از زبان و خط یونانی که دستگاه اداری و تجاری بر پایه‌ی آن استوار بود، در میان ساکنین شهرها رواج یافت (ملکزاده بیانی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۴). از حدود نیمه‌ی دوم قرن اول پیش از میلاد، زبان پارتی و خط آن که از آرامی اقتباس شده بود، جای آن را گرفت (تفضلی و آموزگار، ۱۳۷۵: ۷۵). هم‌چنین، تا میانه‌ی سده‌ی یکم میلادی از خط و زبان یونانی برای نوشتن روی سکه‌های اشکانی استفاده می‌شد که با آغاز

نخستین سده‌ی میلادی نوشتار و زبان یونانی از مرکز توجه خارج گشت و با بر تخت‌نشینی بلاش یکم، نوشته‌های یونانی ناخوانا شد^۱ و برای نخستین بار نوشته‌های سکه‌ها به زبان و خط اشکانی نگاشته شدند. سکه‌هایی از اشک اول در ساحل رود اترک واقع در شمال ایران پیدا شده است که همزمان نوشته یونانی و آرامی دارد (ولسکی، ۱۳۸۴: ۸۲).^۲ با توجه به ناخوانایی و اشتباهات آشکار در نوشته یونانی سکه‌ها می‌توان چنین برداشت کرد که در گذر زمان، یونانی نویسی تنها جنبه پیام‌رسانی داشت و القاب شاهی و نوشته‌ها که به صورت قالبی درآمده بود تنها تکرار می‌شد. از این رو واژنش از یونانی‌مآبی با روی آوردن به نگارش به خط ایرانی و انتخاب لقب (شاه شاهان) انجام گرفت (شکوری‌فر و نصرالله-زاده، ۱۳۹۵: ۴۰).

شاهان اشکانی تا مدت‌ها نام خود را بر روی سکه‌ها به یونانی می‌نوشتند و کلمه فیله‌ن (دوستار یونان) به یونانی روی آنها دیده می‌شود و گاهی کلماتی نیز به خط پارسی [پهلوی اشکانی] به چشم می‌خورد. در ابتدا، نوشته‌های پارسی سکه‌ها شامل صورت خلاصه‌شده نام شاه بوده مانند «ول» (به جای ولگش: بلاش) و بعد در ثلث دوم قرن دوم میلادی نوشته‌ها مفصل‌تر می‌شود و نام شاه به صورت کامل ذکر می‌گردد (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۱۶).

سکه‌های اشکانی دارای علائم و نشانه‌هایی است (مونوگرام) که برخی از آنها متعلق به شهرهایی هستند که سکه در آنجا ضرب شده است. نخستین سکه‌ای که به طور یقین دارای علامت ضربخانه است، به دوران فرمانروایی مهرداد اول تعلق دارد. مهم‌ترین شهری که تا اواخر دوران اشکانیان به ضرب سکه‌های درهم اقدام می‌نمود، شهر هگمتانه (= همدان) است (سرفرازو آورزمانی ۱۳۸۴-۴۴). همدان یا اکباتان مقر تابستانی شاهان پارت و ضربخانه سلطنتی بوده است (استوارت، ۱۳۸۷: ۲۲). از میانه‌ی دوره‌ی شاهنشاهی اشکانی و قرون پس از میلاد مسیح، ضربخانه‌ها شمارشان محدود شد و نظم بیشتری گرفت؛ بدین معنا که سکه‌های چهاردرهمی و سه‌درهمی سیمین در سلوکیه‌ی دجله و درهم‌های سیمین بیشتر در اکباتان ضرب می‌شدند (افتخاری، ۱۳۹۶: ۵).

نخستین سکه‌های اشکانی با نوشته‌ی پهلوی اشکانی از زمان بلاش یکم (شاه اشکانی: ۵۰-۷۷ م.) ضرب شدند. سکه‌های اشکانی به طور کلی از زمان گودرز دوم (شاه اشکانی: ۴۳-۵۰ م.) در شهر اکباتان و سلوکیه‌ی دجله ضرب می‌شدند. تنها استثناهای این قاعده درهم سیمین اردوان چهارم ضرب شهر نیسا، سکه‌های مفرغی بلاش چهارم ضرب شهر

اِدا هستند و هیچ سکه‌ی اشکانی دیگری پس از گودرز دوم خارج از شهرهای ذکرشده ضرب نشده است. از این میان، تنها شماری از درهم‌های سیمین ضرب اکباتان و نیز سکه‌های مفرغی بلاش چهارم نوشته‌ی پهلوی اشکانی دارند^۳. به استثنای سکه‌های مفرغی بلاش چهارم، در این پژوهش تمامی سکه‌های اشکانی دارای نوشته‌ی پهلوی بررسی شده‌اند. دلیل این که این سکه‌های مفرغی و نوشته‌شان در این جا مقایسه و بررسی نمی‌شوند این است که نگارندگان برای این که تغییرات دست‌خط قلم‌زن و نیز تغییرات هنری در محدوده‌ی جغرافیایی بر نتیجه‌گیری حاصل از تحول خط اثرگذار نباشد، لذا درهم‌های سیمین اکباتان دارای نوشته‌ی پهلوی اشکانی را در این پژوهش بررسی نموده‌اند. در این ضرابخانه طی سالیان ۵۱ تا ۲۲۸ میلادی درهم‌های سیمین ضرب شد که دارای خط پهلوی اشکانی می‌باشند، که اهمیت مطالعات سکه‌های ضرب این ضرابخانه را دوچندان می‌نماید. در نتیجه، با توجه به نکات ذکرشده درباره‌ی این سکه‌ها، این سوالات مطرح می‌گردد که در این بازه زمانی نسبتاً طولانی آیا تحولاتی در شکل نویسه‌ها و چگونگی نگارش آنها صورت گرفته است؟ در صورتی که تحولاتی در شکل نویسه‌ها صورت گرفته است این تحولات در چند دوره بر روی سکه‌ها قابل بررسی می‌باشد؟

در پژوهش پیش رو، ضمن استخراج مستقیم نوشته‌های پهلوی اشکانی منقور برشماری از درهم‌های سیمین ضرابخانه‌ی اکباتان، میان سالیان ۵۱ تا ۲۲۸ میلادی، سعی شده است تا با طبقه بندی تک‌تک نویسه‌های خطی مربوط به هر سکه و تدوین جدول تغییرات زمانی این نویسه‌ها، به این پرسش پاسخ داده شود. در نتیجه‌ی این بررسی، سه دوره‌ی تحول برای خط پهلوی اشکانی بر روی این سکه‌ها قابل شناسایی می‌باشد.

۲. پیشینه پژوهش

نخستین پژوهش درباره‌ی سکه شناسی دوران اشکانی را سکه‌شناس برجسته فرانسوی ژان فواوایان (Foy-Vaillant) در سال ۱۷۲۵ میلادی انجام داد. کتاب وی تحت عنوان "امپراتوری اشکانی یا تاریخ شاهان پارت برای سکه‌ها" به زبان لاتین نگاشته شده است. در این کتاب که ۲۹ فصل دارد نگارنده به شرح تاریخ سیاسی هریک فرمانروایان اشکانی پرداخته؛ سپس سکه‌های آن فرمانروا را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. حدود یک قرن بعد جان لیندسی (John Lindsay) (۱۸۵۲)، کتاب تاریخ و سکه‌های پارت را چاپ نمود. وی در کتاب خود تصاویر طراحی شده سکه‌های اشکانی را به نمایش در آورد و سپس به

بررسی آنها پرداخت. بعدها دو سکه‌شناس دیگر، دومارکوف (de Markoff) فرانسوی (۱۸۷۷) و گاردنر (Gardner) انگلیسی (۱۸۷۷) به طور هم‌زمان دو کتاب در زمینه سکه‌های اشکانی منتشر نمودند. در حدود ده سال بعد فون گوتشمید (Von Gutschmid) (۱۸۸۸) کتابی درباره‌ی تاریخ سلوکی و اشکانی نگاشت. سه سال بعد، نخستین کتاب به زبان فارسی درباره‌ی سکه‌های اشکانی در ایران منتشر شد. این کتاب در زمان قاجار با عنوان "درالتیجان فی تاریخ بنی اشکان" توسط اعتماد السلطنه (۱۳۰۹-۱۳۱۱ ه. ق.) و در "دارالطباعة دولتی طهران" به چاپ رسید. در اوایل قرن نوزدهم میلادی راث (Wroth) کاتالوگ سکه‌های اشکانی در موزه‌ی بریتانیا را به زبان انگلیسی و پتروویچ (Petrowicz) (۱۹۰۹) کاتالوگ مجموعه‌ی شخصی خویش را انتشار دادند. دمرگان (de Morgan) (۱۹۲۳) کتاب راهنمای سکه‌های شرقی رانیز منتشر نمود که بخشی از آن به سکه‌های اشکانی اختصاص داشت.

اواخر دهه هفتاد میلادی به نوعی سال‌های درخشان در زمینه‌ی مطالعات سکه‌های اشکانی به شمار می‌رود. در سال ۱۹۷۸ بانو ملک‌زاده بیانی، دومین کتاب درباره‌ی سکه‌های اشکانی را با عنوان "تاریخ سکه دوره پارتی" به زبان فارسی به چاپ رسانید. سپس در همان سال و کمی بعد از آن، میچینر (Mitchiner) (۱۹۷۸) و شیر (Sear) (۱۹۷۹) در بخشی از کتاب‌های خود به سکه‌های اشکانی پرداختند. بعد سلوود (Sellwood) (۱۹۸۰) کتاب درآمدی بر سکه‌های اشکانی را به چاپ رسانید. اثر ارزشمند سلوود امروز همچنان مورد توجه پژوهشگران و مجموعه‌داران سراسر جهان می‌باشد. شور (Shore) (۱۹۹۳) "تاریخ و سکه‌ی اشکانی" را در سال ۱۹۹۳ به تحریر در آورد و سلوود (۱۹۸۳)، آلرام (Alram) (۱۹۹۸)، سرخوش کورتیس (Sarkhosh Curtis) (۲۰۰۷) و سینیسی (Sinisi) (۲۰۱۱) هر کدام فصلی از یک کتاب را به بحثی خلاصه در این موضوع آراستند. در دهه‌ی ۱۳۹۰ "سکه‌های اشکانی" (غلامی، ۱۳۹۲)، "تاریخ اشکانیان به روایت سکه‌ها" (دیلمقانی، ۱۳۹۵) و "نمادشناسی سکه‌های اشکانی" (افتخاری و جمشیدی، ۱۳۹۶) چاپ شدند. آخرین کتاب در این زمینه که به بررسی گونه‌های مختلف سکه‌های اشکانی پرداخته است کتاب "گونه‌شناسی سکه‌های اشکانی" (افتخاری، ۱۳۹۶) است. در پژوهش حاضر از منظر دیگر و با بررسی سیر و تحول خط پهلوی اشکانی بر روی تعدادی از درهم‌های سیمین ضرابخانه اکباتان به این سکه‌ها پرداخته شد.

۳. نگاهی به اوضاع تاریخی - اقتصادی دوره اشکانیان و تاثیر آن بر ضرب سکه‌ها

ایالت پارت پس از داریوش بزرگ همچنان یکی از ساتراپی‌های هخامنشیان بشمار می‌رفت. پارتیان به دلیل هم‌نژادی و نزدیکی زبانی و فرهنگی با هخامنشیان، قسمت بزرگی از ارتش ایران را تشکیل می‌دادند، چنان‌که هرودوت به دو تن از سرداران پارتنی ارتش خشایارشا در جنگ با یونان با نام‌های آرتاباذ و ارشک اشاره دارد (ملکزاده بیانی ۱۳۸۱، ۱۱: ۲). با تهاجم اسکندر مقدونی و شکست ارتش داریوش سوم در سه جنگ (گرانیک، ایسوس، گوگملا)، ایالت پارت هم به تصرف در آمد. پارت و هیرکانی در دوره سلوکی به صورت ایالتی واحد اداره می‌شد تا اینکه قوم آریایی نژاد و ایرانی زبان پرنی در حدود آغاز سده سوم پیش از میلاد از اتحادیه داهه در حوالی رود اترک در شرق دریای مازندران جدا شدند و در ناحیه پارت مسکن گزیدند.

پرنی‌ها که طایفه‌ای از قوم داهه سکایی تبار و در امتداد مرز شمالی ایران تا دریای خزر/مازندران می‌زیستند با چیرگی بر استان پارت و ورکانه / گرگان - به یونانی هورکانیه، سلسله جدید اشکانی مشهور به پارتنی را پایه‌گذاری کردند (شکوری‌فر و نصراله‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۲۲). تاریخ پارتیان از سال ۲۵۰ پیش از میلاد تا پایان این سلسله در سال ۲۲۶ میلادی به سه دوره تقسیم می‌شود. نخست تأسیس دولت پارت را شامل می‌شود. دوره دوم دوران شکوفایی پادشاهی اشکانی و دوره سوم تضعیف و نهایتاً فروپاشی این دولت است که زمان درازی را نمی‌توان به آن اختصاص داد (پیرنیا، ۱۳۹۰: ۲۱۶). امپراتوری ایرانیان پس از بیش از دو قرن تسلط بر نیمی از جهان متمدن عصر باستان در پی تهاجم اسکندر به مشرق فروپاشید. در حالی که بیش از هفت دهه از حکومت جانشینان سلوکی اسکندر بر ایران می‌گذشت اقوامی از شرق ایران در برابر امپریالیسم یونانی مقدونی حاکم بر ایران شوریدند و توانستند با استقرار دولتی ایرانی، استقلال از دست رفته کشور را بازگردانند. ارشک اول (۲۱۱ تا ۲۴۷ ق.م) که خود را در سکه‌هایش خود مختار معرفی می‌کرد موفق شد به سال ۲۳۸ پیش از میلاد مسیح با کنار زدن آندراگوراس در پارت (نسا) به عنوان پادشاه اشکانیان تاج‌گذاری کند و روز یکم ماه دیوس سال ۲۴۷ پیش از میلاد را به عنوان آغاز استقلال پارت از سلوکیان به عنوان مبدأ تاریخ اشکانیان برگزیند (غلامی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۵). نام ارشک خود احتمالاً برگرفته از Aršan اوستایی به معنای "فهرمان یا

انسان" است و شاید با "کوی ارشن یا کی ارش" (Kavi Aršan) از خاندان کیانی که بنا به فردوسی، اشکانیان نژاد از او داشته‌اند، پیوستگی داشته باشد (Tafazzoli 1986, 268).

ارشک (۲۴۷-۲۱۱ ق.م) با شکست دادن آندراگورس ساتراپ پارت (۴-۲۴۷ ق.م) و هیرکانیان بنیان حکومتی را گذاشت که تا زمان مهرداد اول (۱۷۱-۳۸ ق.م) چندان نقش مهمی را در تاریخ ایران ایفا نمی‌کرد (Bivar, 1983: 29). هنگامی که ارشک پس از یک عمر طولانی با مرگ طبیعی درگذشت، پسرش ارشک دوم (۱۹۱ تا ۲۱۱ ق.م) به پادشاهی رسید، در این زمان آنتیوخوس سوم به پارت یورش برد اما خود گرفتار جنگ با روم شد و به ناچار از ادامه نبرد با ارشک دست کشید. جنگ آنتیوخوس با رومیان و در پی آن کشته شدن وی، دولت نوپای پارت را از خطر انقراض زود هنگام نجات داد (ولسکی ۱۳۸۴، ۸۲). امپراتوری پارت مکرراً درگیر جنگی در دو جبهه بوده در غرب ابتدا سلوکیان و بعد امپراطوری مقتدر روم و از مناطقی در شمال و شرق، همان جایی که پارتیان سیطره خود را آغاز نموده بودند. این جنگ‌ها در دراز مدت بر نیروهای کشور بسیار فشار می‌آورد؛ به همین دلیل گرفتاری‌های فراوان داخلی حکومت در برابر گرفتاری‌های که در خارج از مرزها گریبان‌گیرش بود بسیار ناچیز می‌نمود (ملکزاده بیانی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۹۱).

مهرداد اول با تسخیر ساتراپ‌های ماد، شوش و سلوکیه حکمران قلمرو پهناوری گردید و بدین ترتیب سکه‌های آنها از اهمیت خاصی در تجارت آسیا برخوردار شد. از سوی دیگر با به اسارت گرفتن دمتریوس شاه سلوکیه و فرستادن او به هیرکانیا نزد مهرداد اول، ضربه محکمی بر پیکر حکمرانان سلوکیه وارد آمد. با الحاق بخش‌هایی از حکومت یونانی - بلخی و گسترش قلمرو به سوی غرب در دوره مهرداد یکم (۱۳۲ یا ۱۳۸-۱۷۱ ق.م)، سلسله اشکانی که میراث بر شاهنشاهی ناهمگون سلوکی شده بود.

دوران اعتلای دولت کوچک پارت و تبدیل آن به شاهنشاهی اشکانی با روی کار آمدن اشک ششم مهرداد اول (۱۷۱ تا ۱۳۲ ق.م)، پسر فریادپای آغاز شد. وظیفه تجدید حیات اشکانیان در سال‌های بعد از مرگ مهرداد اول به دوش مهرداد دوم (۹۱ تا ۱۲۳ ق.م) قرار گرفت. شاهنشاهی اشکانی در این زمان که با تضعیف و شکست سلوکیان در مقابل پارتیان و شکل‌گیری دولت نوپای روم مصادف شده بود به عنوان یگانه ابر قدرت خاورمیانه و غرب آسیا شناخته می‌شد و از وضع بسیار مناسب سیاسی، نظامی و اقتصادی بهره‌مند شده بود.

مهرداد در غرب با شکست دودمان هوسپایوسینس، قدرت این دولت را به حکام دست‌نشانده شاهنشاهی اشکانی تنزل داد. سکه‌های برنجی هوسپایوسینس با تصویر و القاب مهرداد گواه این رخداد است (ولسکی، ۱۳۸۴، ص ۸۳). در اواخر سلطنت مهرداد دوم، شخصی با نام سینتاروک (۶۹ تا ۹۴ ق. م) که احتمالاً یکی از فرزندان مهرداد اول بوده و در هنگام نبرد فرهاد دوم با سکاییان به اسارت آن‌ها درآمده بود با حمایت سکاها به ایران بازگشت و وارد جنگ با مهرداد دوم شد. سینتاروک توانست در چندین نبرد مهرداد سالخورده را شکست داده و قلمروی او را به سلوکیه و بابل محدود کند. مدتی بعد مهرداد دوم در بابل درگذشت (۹۱ ق. م). (Assar, 2005: 32).

فرهاد دوم (۱۳۸-۱۲۷ ق. م) بعد از پدر جانشین او گردید و آنتیوخوس هفتم جهت بازپس گرفتن قلمرو از دست داده در اتحادی با دیگر حکمرانان ملوک الطوائفی به شهر سلوکیه‌ی شوش و همدان حمله ور گردید در آنجا فرهاد دوم سکاها را آسیا میانه را جهت یاری رساندن علیه سلوکیه به قلمرو خود دعوت کرد در این میان آنتیوخوس در استان ماد در یک حمله غافلگیرانه به دست سربازان اشکانی به قتل رسید. بین‌النهرین نیز محل به تخت نشستن تعدادی از شاهان اشکانی گردید با شکست رومی‌ها از ارد دوم (۳۸-۵۷ ق. م) و فرهاد چهارم (۳۸-۲۸ ق. م) قدرت پادشاهان اشکانی به بالاترین حد خود رسید. ولی بعد از مرگ آنها افول قدرت اشکانیان شروع شد. فرزندان فرهاد چهارم (فرهاد پنجم و ونون اول) به صورت پیاپی در تخت پادشاهی نشستند و با ساکن شدن اشکانیان در ماد شهر سلوکیه افول قدرت شاهان اشکانی آغاز گردید. اردشیر بابکان با استفاده از موقعیت خانوادگی توانست به فرمانروایی پارس برسد. وی ابتدا مناطقی در شرق مانند کرمان را مورد تاخت و تاز قرار داد و سپس به ماد و آدیابن حمله کرد اما هنوز برای برانداختن اشکانیان نیروی کافی نداشت. وی با پادشاه هدیبه و کرکوک متحد شد و سرانجام در نبرد بزرگی که در حدود ۲۲۴ میلادی در هرمزدگان در گرفت اردوان پنجم پادشاه بزرگ پارت شکست خورد و به قتل رسید (هرمان، ۱۳۷۳: ۸۴). بدین ترتیب با شورش اردشیر اول بنیان‌گذار سلسله ساسانی (۲۲۶-۱۳۸ ق. م) حکمرانی نزدیک به پنج قرن اشکانیان به پایان رسید (Göbl, 1971: 302).

از سازمان اقتصادی و پولی اشکانیان اطلاعات کافی و کاملی در دسترس نیست. اما از طریق آثار کاوش شده در دوران اشکانی از قبیل سکه‌ها و منابع تاریخی می‌توان تا حدودی اوضاع اقتصادی آن زمان را ترسیم نمود. با توجه به شواهد بجای مانده از این دوره می‌توان

گفت پایه اقتصاد پارت بر کشاورزی و بازرگانی استوار بود و صنعت اهمیت چندانی نداشت. بیشتر ساکنان شاهنشاهی روزی خود را هم چون خورده مالکان یا شبانان و بندگان وابسته به زمین و در برخی موارد بندگان در زمین می‌جستند (کالج، ۱۳۸۰، ۹۱). با این حال در مورد کشاورزی و صنایع دستی اطلاعات کم است (شپیمان، ۱۳۸۴، ۱۱۳). تجارت و بازرگانی یکی از پایه‌های اقتصادی پارت‌ها بشمار می‌رفته و تاثیر آن در زندگی اجتماعی و اقتصاد جامعه این دوره زیاد بوده است. اولین نکته‌ای که در زمینه بازرگانی و تجارت بسیار مهم بنظر می‌رسد وجود مسیرهای ارتباطی بین مناطق مختلف و نحوه حمل و نقل کالاهای تجاری است.

در آغاز پارتیان با بازرگانان سلوکی داد و ستد می‌کردند و روابط بازرگانی با چین نیز تا سده دوم ق. م استوار بود بطوریکه چینی‌ها با سکه‌های پارتی کاملاً آشنا بودند و حتی سجع برخی از سکه‌های پارتی روی مفرغ چینی بدست آمده (کالج، ۱۳۸۰، ۹۲). جنس سکه‌های اشکانی نقره و مفرغ است. سکه‌ی نقره درهم نامیده می‌شد که واحد بزرگتر آن چهار درهم و واحدهای کوچکتر اَبول بودند. رایج‌ترین پول این دوره درهم بود که در ضرابخانه‌های سراسر کشور ضرب می‌شد. اشکانیان سکه‌ی زرین نداشتند (De Morgan, 1923: 137). جعفری دهقی (۱۳۹۱: ۲۴) و گوبل (۱۳۹۱: ۱۰۹) نیز با اطمینان بیان نموده‌اند که اشکانیان هرگز اقدام به ضرب سکه‌ی زر نکرده‌اند. سکه‌های زرین متسبب به آن‌ها یا سکه‌های تقلیدی اقوام کوچ‌نشین هم‌زمان (اولبریخت، ۱۳۹۲: ۱۸) یا سکه‌های جعلی و امروزی هستند. واکر (Walker) (۱۹۹۴/۹۵: ۳۵-۱) نشان داد که سکه‌های طلای ونون یکم که سلوود در سال ۱۹۹۱ معرفی کرد، جعلی می‌باشد (آلرام، ۱۳۹۱: ۵۸۲). فابریسیو سینیسی نیز این سکه‌های زرین ونون یکم را که در جریان کنفرانس جهانی سکه‌شناسی در بروکسل معرفی شدند، جعلی دانست (Simisi, 2011: 276).

با توجه به شواهد موجود از دوره مهرداد دوم امنیت کامل در راه‌ها و مرزهای قلمرو پارت ایجاد شد. در مسیر این راه‌ها شهرهای مهم و ضرابخانه‌هایی وجود داشتند که باعث آشنایی مناطق دیگر با سکه‌های اشکانی می‌شدند و آنچنان که مشخص است بازرگانان در فواصل کوتاه و در مسیر داخل ایران از سکه مسی و در فواصل طولانی و مناطق خارج از ایران از سکه‌های نقره بیشتر استفاده می‌کردند (سودایی، ۱۳۸۹: ۱۸۵).

مطالعه وضعیت اقتصادی اشکانیان در دوران شکل‌گیری حکومت (۲۴۷-۱۷۱ پ.م.) بر پایه سکه‌ها به‌جای مانده از این دوره، چندان قابل پیگیری نیست؛ زیرا تاکنون از چهار

پادشاه نخست اشکانی که مدت زمانی نسبتاً طولانی حکمرانی کرده اند، تعداد محدودی سکه شناسایی شده است. چنین به نظر می‌رسد که در این دوران سکه‌ها نقش چندانی در انجام معاملات و دادوستدها ایفا نمی‌کردند و بیشتر به منظور اعلام استقلال از قدرت برتر دوران یعنی سلوکیه، ضرب می‌شده‌اند. در واقع، چنین به نظر می‌رسد که به واسطه‌ی دوری از مراکز تجاری و نیز نوپایی حکومت تا آن زمان، نیازی برای ایجاد یک نظام پولی منظم برپایه‌ی سکه‌ها با اوزان و واحدهای مختلف، احساس نمی‌شده است. با از دست رفتن این مناطق پردرآمد تجاری در این برهه از زمان، اشکانیان از لحاظ اقتصادی با مشکل مواجه شدند. به همین خاطر، ضربخانه‌ها به دلیل کمبود منابع مورد نیاز، درصد نقره را کاهش و میزان عنصر کم‌بهای مس را افزایش دادند (صالحی گروس و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۰۴-۳۰۳). به طور کلی جغرافیای اقتصادی اشکانی ثابت نبوده بلکه با تغییرات و تحولات سیاسی و درگیری‌های نظامی که در آن مناطق مهم و اقتصادی گاه افزوده می‌شد و گاه از قلمرو حکومت خارج می‌شده دچار ضعف یا قوت می‌شده است.

به هنگام ضعیف شدن دولت‌ها و رکود اقتصادی حاصل از آن، از راه‌های گوناگون چون کم‌عیار کردن سکه، کاهش وزن آن و یا حتی ضرب سکه‌هایی از فلز کم‌ارزش با روکش فلز پربها، اقدام به تقلب در سکه‌ها می‌شد. در اقتصاد بیمار، به سبب استفاده‌ی بیش از حد از سرسکه‌ها (قالب‌هایی که با آن سکه ضرب می‌کردند)، کم‌توجهی به هنر و به کار گرفتن افزارمندان کم مهارت، سکه‌های نازیب، با کیفیت پایین و بدضرب، تولید می‌شدند. در مقابل، ثروت بیشتر، اقتصاد شکوفاتر و فن‌آوری بالا منجر به ضرب سکه‌هایی زیبا، با هنر والا، طراحی بهینه و وزن و عیار کامل می‌شد. از سوی دیگر، سکه‌های متنوع‌تر، زیباتر، با عیار بالاتر و وزن درست در زمان فرمانروایان توانمند تولید می‌شدند. با بررسی سکه‌های اشکانی دریافته می‌شود که در زمان فرمانروایانی چون ارشک یکم، مهرداد یکم، مهرداد دوم، ارد دوم، بلاش یکم و پاکور دوم اقتصاد شکوفاتر بوده و به پول اهمیت بیشتری داده شده است و سکه‌های متنوع‌تری از نظر وزن و واحد پولی در زمان این فرمانروایان ضرب شده است (افتخاری، ۱۳۹۶: ۳۹).

سبزی علی و همکارانش (۱۳۸۹) برای بررسی وضعیت اقتصادی زمان مهرداد یکم، با دستگاه XRF شماری از درهم‌های سیمین او را عیارسنجی کردند. بر اساس تحقیقات ایشان و طبق نتایج آزمایشگاهی، سکه‌ها مهرداد اول این موضوع را تایید می‌نمایند که وضعیت اقتصادی در دوره‌ی پادشاهی وی مناسب و از ثبات نسبی برخوردار بوده است که این

شرایط دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد، از جمله این امر که رونق بازرگانی در دوران مهرداد یکم به حدی رسیده بود که برای تأمین قسمتی از مخارج، احتیاجی به پایین آوردن عیار سکه‌ها نبودند. لذا در دوران وی سکه‌ها هم به لحاظ نقش و هم عیار از کیفیت مطلوبی برخوردار شدند که این امر متأثر از تحولات اقتصادی-سیاسی و در عین حال فرهنگی زمان او می‌باشد (سبزی‌علی و همکاران ۱۳۸۹: ۹۵). این یعنی همان تأثیر متقابل سیاست در اقتصاد و نمودهای اقتصادی جامعه که در سکه‌ها پرکاربردترین ابزار اقتصادی قابل بررسی و مشهود است.

۴. ضربخانه اکباتان

روزی که ارشک یکم تصمیم به ضرب سکه‌های خود گرفته، قلمرو اشکانیان فراتر از هکاتوم پیلوس (صد دروازه) نرفته بود و از اینرو ضرورتی در ثبت نام ضربخانه بر روی این سکه‌ها حس نمی‌شد. اما با گسترش قلمرو امپراتوری اشکانی در دوران سلطنت مهرداد اول و به دنبال آن فتح ضربخانه‌های جدید یعنی اکباتان و سلوکیه، آنان به تدریج تصمیم گرفتند تا برای نظارت بیشتر در ضرب سکوکات و نیز برخی مقاصد سیاسی از جمله اعلام حاکمیت بر یک منطقه نام شهری را که سکه‌ها مورد نظر در آن تولید شده است، به گونه‌ای بر روی (و یا پشت آن) نمایش دهند (غلامی، ۱۳۹۲: ۳۷۰). از میان ضربخانه‌های گوناگون اشکانیان ضربخانه‌ی اکباتان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و به عنوان ضربخانه سلطنتی در نظر گرفته می‌شد. از میانه‌ی دوره‌ی شاهنشاهی اشکانی، پس از میلاد مسیح، ضربخانه‌ها شمارشان محدود شد و نظم بیشتری گرفت؛ بدین معنا که سکه‌های چهاردرهمی و سه‌درهمی سیمین در سلوکیه‌ی دجله و درهم‌های سیمین بیشتر در اکباتان ضرب می‌شدند (افتخاری، ۱۳۹۶: ۵).

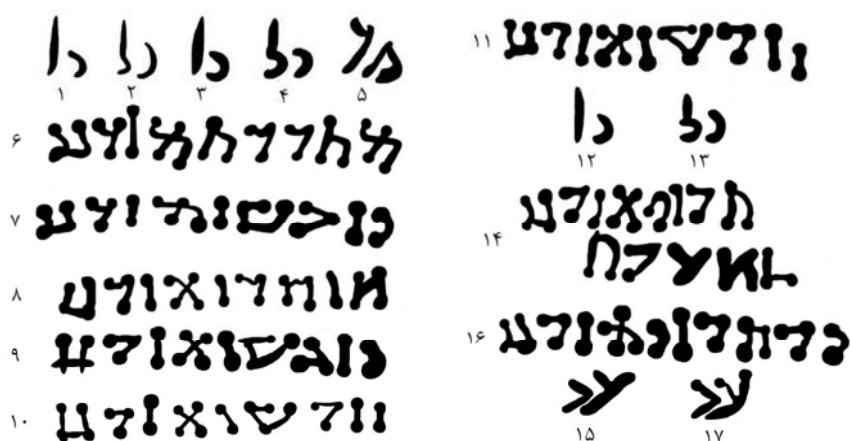
هگمتانه یا اکباتان مهم‌ترین و فعال‌ترین ضربخانه‌ی اشکانیان بود. سکه‌های حاصل این ضربخانه از اواخر دوران حکومت مهرداد اول آغاز شده و تا پایان امپراتوری اشکانی ادامه می‌یابد. اولین گروه از سکه‌های ضرب شده، در این ضربخانه، یک درهم‌ها، ابول‌ها، و کالکوهایی هستند که بعد از فتح هگمتانه در سال ۱۴۸ ق.م ضرب شده‌اند (غلامی، ۱۳۹۲: ۵۷).

		
<p>بلاش یکم (Wroth, 1903: Pl. 29, 1)</p>	<p>بلاش یکم (CNG, Triton XIII, lot 744)</p>	<p>بلاش دوم (Sellwood, 2006: Pl. VIII, 2)</p>
		
<p>بلاش دوم (Wroth, 1903: Pl. 32, 12)</p>	<p>پاکور دوم (www.thenewyorksale.com, Auction XXXIV, lot 452)</p>	<p>مهرداد چهارم (Wroth, 1903, Pl. 33, 11)</p>
		
<p>بلاش چهارم (Wroth, 1903, Pl. 36, 10)</p>	<p>خسرو دوم (Gardner, 1877: VII, 10)</p>	<p>بلاش چهارم (Wroth, 1903, Pl. 34, 5)</p>
		
<p>بلاش ششم (CNG, Triton XIII, lot 820)</p>	<p>بلاش ششم (Wroth, 1903, Pl. 36, 4)</p>	<p>بلاش پنجم (Wroth, 1903, Pl. 36, 10)</p>
		
<p>آرتاباز (Wroth, 1903, Pl. 36, 15)</p>		<p>اردوان پنجم (Wroth, 1903, Pl. 36, 14)</p>

تصویر ۱: درهم‌های اشکانی ضرب اکباتان با نوشته‌ی پهلوی اشکانی

۵. نوشته‌ی پهلوی اشکانی درهم‌های اکباتان، سال‌های ۵۱ تا ۲۲۸ میلادی

در بخش پیش رو روند و چگونگی تحول نوشته‌ی پهلوی اشکانی نگاشته شده در پشت درهم‌های ضربخانه‌ی اکباتان، طی سال‌های ۵۱ تا ۲۲۸ میلادی، ضمن معرفی، بررسی و تحلیل می‌گردد. این امر با مطالعه‌ی نوشته‌های پهلوی اشکانی گونه‌های مختلف درهم ضرب اکباتان (تصویر ۱)، استخراج مستقیم این نوشته‌ها از روی سکه‌ها (تصویر ۲) و سپس استخراج تک تک نویسه‌های خطی مربوط به هر سکه و در نهایت تدوین جدول تغییرات زمانی نویسه‌ها (جدول ۱) امکان‌پذیر می‌گردد. فرض بر این است که دستخط قلم‌زن تفاوتی در نمونه‌های مختلف سکه‌ای خاص به وجود نیاورده و این فرض با بررسی و مقایسه‌ی تعداد ۳ تا ۱۵ نمونه‌ی سکه‌ای از گونه‌ای مشخص، بررسی شده در این پژوهش تایید می‌شود (نک: ضمیمه).

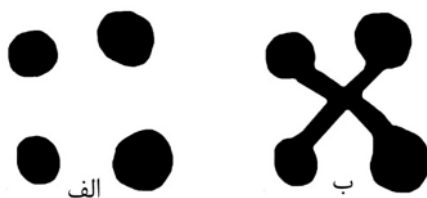


تصویر ۲: نوشته‌ی پهلوی اشکانی درهم‌های سیمین ضرب اکباتان

۱ و ۲. بلاش یکم (روی سکه)، ۳ و ۴. بلاش دوم (روی سکه)، ۵. پاکور دوم (روی سکه)، ۶. مهرداد چهارم، ۷ و ۹. بلاش چهارم، ۸. خسرو دوم، ۱۰. بلاش پنجم، ۱۱. بلاش ششم، ۱۲ و ۱۳. بلاش ششم (روی سکه)، ۱۴. اردوان پنجم، ۱۵. اردوان پنجم (روی سکه)، ۱۶. آرتاباز، ۱۷. آرتاباز (روی سکه)

با نگاهی اجمالی بر نویسه‌های منقور بر سکه‌های درهم سیمین ضربخانه‌ی اکباتان، در بدو پیدایش و شکل‌گیری آن بر پشت سکه‌ها یعنی حوالی سال ۵۱ میلادی، در زمان پادشاهی بلاش یکم، شاهد نگارش استادانه و بسیار هنرمندانه و زیبای حروف، با انحناها و زوایای خاص هستیم. این شیوه‌ی نگارشی بسیار با ظرافت و استادانه را کم و بیش در

عمده سکه‌های مضروب تا سال ۱۷۰ میلادی می‌توان مشاهده کرد؛ اما از حدود اواسط شاهنشاهی بلاش چهارم (حدود ۱۷۰ میلادی) (تصویر ۲ شماره ۸) روش قلم‌زنی ساده‌تر شده و به نظر می‌رسد در فرایند حکاکی سر سکه‌ها از نوعی قلم سوزنی نوک‌تیز برای ایجاد دایره‌های کوچک یا نقاط ابتدایی به عنوان نشانه استفاده شده است (تصویر ۳ الف) که سپس این دایره‌ها را قلمی لبه‌دار به سادگی به هم متصل کرده و شکل نهایی نویسه را ایجاد می‌کرده‌اند (تصویر ۳ ب)؛ در واقع، به جای حرکت هنرمندانه دست قلم‌زن که مستلزم مهارت بسیار و صرف زمان زیاد بود، از زمان بلاش چهارم به بعد، با ابزاری ساده‌تر، شکلی ساده‌تر ایجاد می‌شد که نیازمند مهارت کم‌تر قلم‌زن سرسکه بود. برای مثال نویسه m نمایش داده شده در تصویر ۳ را با چهار حرکت قلم نوک‌سوزنی نوک‌تیز و دو حرکت قلم لبه‌دار (در مجموع: شش حرکت) به سادگی ایجاد می‌کرده‌اند.





تصویر ۳: الف. چهار نقطه‌ی سوزنی دایره‌ای شکل ابتدایی به عنوان نشانه. شکل نهایی نویسه پس از دو بار استفاده از قلم لبه‌دار



جدول ۱: تغییرات زمانی نویسه‌های پهلوی اشکانی بر درهم‌های اکباتان


	ا	ب	گ	د	ه، خ	و	ز	ی	ک	ل	م	ن	س	ف، پ	ر	ش	ت	
	a	b	g	d	-H	w	z	y(j)	k	l	m	n	s	P	r	š	t	,
1	V.I-obl						د				ا							
2	V.I-ob2						د				ا							
3	V.II-obl						د				ا							
4	V.II-ob2						د				ا							
5	P.II-ob									و				س				
6	M.IV-r	ب			ه				ک	ل	م	ن				ش	ت	ر
7	V.IV-r	ب		د			د		ک	ل	م	ن					ت	ر

به سبب این که نوشته‌ی پهلوی اشکانی به طور ناپیوسته بر سکه‌ها نگاشته شده است، با تدوین جدول فوق، تحولات مستقل هر یک از نویسه‌ها به وضوح قابل مشاهده است. در این خصوص می‌توان موارد زیر را در مورد هر نویسه اذعان داشت:

نویسه a: این نویسه که در ابتدا با انحنای زیبا نگاشته می‌شد (برای مثال  ردیف ۶ مهرداد چهارم:) به مرور انحنای خود را تا حدی از دست داده و این تغییر (از ردیف نهم بلاش چهارم: ) به وضوح قابل مشاهده است. این امر می‌توانست به علت ساده‌تر شدن آگاهانه‌ی نگارش این نویسه توسط قلم‌زن سرسکه به منظور آسان‌تر شدن و صرفه‌جویی در زمان ایجاد سرسکه باشد. با در نظر گرفتن زمان تقریبی این تحول که هم‌دوره با قدرت گرفتن رقیب رومی و فشار نظامی از سوی غرب، اغتشاش و تقسیم قدرت در داخل کشور میان دو شاه اشکانی مهرداد چهارم و بلاش سوم اتفاق افتاد؛ می‌توان این آسان‌گیری و ساده‌تر شدن خط را با رکود اقتصادی احتمالی حاصل از این وقایع و افول هنری منتج از آن توجیه نمود.

نویسه b: به سبب تکرار کم این نویسه در این نوشته‌ها و قرابت زمانی نمونه‌های ارائه شده در جدول ۱ جای تعجبی نیست که در نگارش آن تحول محسوسی نمی‌توان مشاهده کرد. اما مشخص است که متحمل ساده‌نگاری شده و بر درهم‌های دوران اردوان پنجم و آرتا باز بسیار شبیه به k نگاشته شده است.

نویسه g: این نویسه که در آغاز با شیب خاصی نگارش می‌شد (برای مثال  ردیف هفتم بلاش چهارم:) به تدریج شیب خود را از دست داده و به صورتی نگاشته می‌شود که شبیه به نویسه k است و به سادگی با آن اشتباه گرفته می‌شود. این اتفاق از ردیف دهم بلاش پنجم:  به بعد محسوس است.

نویسه d: این نویسه نیز متحمل تغییری شبیه به تغییر نویسه a می‌شود؛ به روشنی انحنای خود را از دست داده و در ردیف چهاردهم اردوان پنجم  به سادگی به نویسه k شبیه شده اشتباه گرفته می‌شود.

نویسه H: در این نویسه نیز به سبب تکرار کم این نویسه در نوشته‌های ارائه شده در جدول ۱ تحول محسوسی نمی‌توان مشاهده کرد.

نویسه w: از آغاز تا پایان تغییر چندانی نمی‌کند ولی چون دیگر نویسه‌ها گاهی به منظور سادگی در قلم‌زدن انحنای خود را از دست داده و در ردیف ۱۱ بلاش ششم‌شبه به نویسه y نگاشته شده و به آسانی با آن اشتباه گرفته می‌شود.

نویسه z: در این نویسه نیز به سبب عدم تکرار در جدول ۱ تحولی نمی‌توان مشاهده کرد ولی به باز به سبب ساده‌نگاری بسیار شبیه y نگاشته شده است.
نویسه y: این نویسه، گویا به سبب سادگی بسیار در نگارش آن، شامل تغییر و تحول خاصی نشده است.




نویسه k: دو تحول عمده در این نویسه قابل مشاهده است. نویسه k که در ابتدا با اندازه‌ی دوبرابر (بزرگ) نگاشته می‌شد (ردیف ۵ پاکور دوم) ابتدا بر سکه‌های مهرداد چهارم اندازه‌اش نصف می‌شود (ردیف ۶) و سپس در نوشته‌ی مرحله‌ی پایانی بلاش چهارم (ردیف ۹) انحناى خود را نیز از دست می‌دهد. با نتیجه‌گیری از روی تحولات دو نویسه a و k می‌توان گفت که نوشته‌ی فارسی میانه‌ی اشکانی درهم‌های خسرو دوم در بازه‌ی زمانی‌ای میان دو نوع نوشته‌ی آغازین (ردیف ۷) و پایانی (ردیف ۹) بلاش چهارم قرار می‌گیرد و این نکته با استنباط از روی نقش پشت و روی درهم هر دو شاه که بسیار شبیه هم هستند نیز کاملاً قابل تایید است.



نویسه l: با بررسی نوشته‌ی فارسی میانه‌ی اشکانی پشت سکه‌های اشکانی این نویسه نیز شامل کاهش اندازه شده و از ردیف هفتم بلاش چهارم اندازه‌اش نصف می‌شود.
نویسه m: این نویسه که در ابتدا بسیار هنرمندانه و با انحنای زیبا نگاشته می‌شد (برای مثال ردیف ۷ بلاش چهارم) از زمان خسرو دوم (ردیف ۸) به بعد متحمل ساده‌نگاری شده و انحنای خود را از دست می‌دهد و مانند X یونانی نگاشته می‌گردد.
نویسه n: در این نویسه نیز به سبب عدم تکرار در جدول ۱ تحولی نمی‌توان مشاهده کرد ولی به باز به سبب ساده‌نگاری بسیار شبیه y نگاشته شده است.

نویسه s: در این نویسه نیز به سبب عدم تکرار این نویسه در جدول ۱ تحولی نمی‌توان مشاهده کرد.

نویسه p: در این نویسه نیز که تنها بر روی سکه‌ای از پاکور دوم (۷۸-۱۱۵ م.) نگاشته شده است به سبب عدم تکرار این نویسه در جدول ۱ تحولی نمی‌توان مشاهده کرد. با دقت در نگارش آن می‌توان هنر و ذوق فراوان را در به وجود آوردن نویسه‌ای با انحنای مشاهده کرد.

نویسه r: این نویسه نیز که تا زمان خسرو دوم با انحنا نگاشته می‌شد، مشمول ساده‌نگاری شده و انحنای خود را در نوشته‌های درهم‌های پایان دوره‌ی اشکانی از دست داده است.

نویسه ۵: این نویسه که می‌توان آن را پیچیده‌ترین شکل در میان این نویسه‌ها لقب داد در نوشته‌های آغازین بلاش چهارم (ردیف هفتم ) دارای زاویه و انحناهایی است، کمی بعد در نوشته‌های پایانی این شاه یکی از زاویه‌های خود را از دست می‌دهد:  سپس از ردیف ۱۱ متعلق به بلاش ششم  متحمل ساده‌نگاری دیگری که همان از دست دادن انحناها و راست‌شدن خطوط تشکیل دهنده‌ی نویسه است می‌شود.

نویسه ۴: به صورت  نوشته می‌شد (ردیف ۶ متعلق به مهرداد چهارم)؛ اما در سال‌های پایانی شاهنشاهی اشکانی ساده‌تر شده، زبانه‌ی بالایی خود را از دست داده و شبیه Π یونانی می‌شود (ردیف ۱۶ آرتاباز ) .

نویسه ۳: به سبب قرابت زمانی نمونه‌های ارایه شده در جدول ۱ جای تعجبی نیست که در نگارش آن تحول محسوسی نمی‌توان مشاهده کرد.

با نتیجه‌گیری از روی تحولات نویسه‌ها، به ویژه دو نویسه a و k می‌توان گفت که نوشته‌ی پهلوی اشکانی درهم‌های خسرو دوم در بازه‌ی زمانی‌ای میان دو نوع نوشته‌ی آغازین (ردیف ۷) و پایانی (ردیف ۹) بلاش چهارم قرار می‌گیرد و این نکته با استنباط از روی نقش پشت و روی درهم هر دو شاه که بسیار شبیه هم هستند کاملاً قابل تأیید است. نکته‌ی قابل توجه دیگر این است که در آن سوی درهم نوع ردیف ۷ متعلق به بلاش چهارم چهره‌ی وی با ریش باریک‌تر و بسیار شبیه به خسرو دوم نشان داده شده است.

۶. نتیجه‌گیری

با بررسی تحولات تک تک نویسه‌ها می‌توان به طور کلی نتیجه گرفت که خط پهلوی اشکانی بر روی درهم‌های سیمین ضراب‌خانه‌ی اکباتان از سال ۵۱ میلادی که در آغاز بسیار هنرمندانه و زیبا و با انحناها و زوایای خاص نگاشته می‌شد، از حدود اواسط شاهنشاهی بلاش چهارم (حدود ۱۷۰ میلادی) تا زمان بلاش پنجم (۱۹۱-۲۰۸ میلادی) دستخوش ساده‌نگاری شده است که می‌توان دلیل آن را آسان‌تر نگاشتن فرایند نوشتن بر روی سرسکه‌ها دانست.

در این دوران روش قلم‌زنی نیز ساده‌تر شد، به این ترتیب که از نوعی قلم سوزنی نوک‌تیز برای ایجاد دایره‌های کوچک یا نقاط ابتدایی به عنوان نشانه استفاده شده است که بعداً این دایره‌ها را قلمی لبه‌دار به سادگی به هم متصل کرده و شکل نهایی نویسه را ایجاد می‌کرده‌اند.

از این زمان به بعد انحنای نویسه‌هایی چون *w*, *d*, *a* و *k* از میان رفته و جای خود را به خطوط راستی می‌دهند که به سادگی با یک حرکت قلم استاد قلم‌زن قابل‌ایجاد بودند. نویسه‌ی *l* که با ارتفاعی دوبرابر نویسه‌های دیگر نگاشته می‌شد، کوتاه‌تر شده و در نگارش و خوانش تفاوتی با *y* نمی‌کند، نویسه‌ی *t* زبانه‌ی خود را از دست می‌دهد و شیب و زاویه‌ی نویسه‌ی *g* تغییر می‌کند و در دیگر نویسه‌ها چون *b*, *z* و *n* این ساده‌نگاری قابل‌لمس است.

این ساده‌نگاری به تدریج سبب ناخوانایی این خط شد که این فرآیند می‌توانسته است با گذر زمان منجر به تحلیل رفتن آن ساختار زیبای اولیه گردد، بر این اساس، شاید بتوان از این پدیده به عنوان "دوران افول خط پهلوی اشکانی بر روی سکه‌های درهم اکباتان" یاد کرد؛ بدین ترتیب، از زمان بلاش پنجم (۱۹۱-۲۰۸ م) تا پایان شاهنشاهی اشکانی (۲۲۷/۲۲۸ م)، نویسه‌های *b*, *g*, *d* و *k* بسیار شبیه هم می‌شوند و به همان صورت نیز نویسه‌های *w*, *y* و *l* بسیار شبیه هم نگاشته می‌شوند. که این شباهت در نگارش نویسه‌ها به یکدیگر، تا جایی ادامه می‌یابد که خوانش و حتی تفکیک و تشخیص این نویسه‌ها و حتی تشخیص نام پادشاهان بسیار دشوار می‌گردد.

نکته‌ی قابل‌توجه دیگری نیز از نوشته‌ی روی این درهم‌ها مشاهده می‌شود: بر روی سکه‌های بلاش یکم، بلاش دوم، و بلاش ششم نوشته‌ی *wl* دیده می‌شود که دو نویسه‌ی نخست نام بلاش (به پهلوی اشکانی ولخش) است. این نوشته در زمان هر سه شاه با دو نوع نوشتار متفاوت نگاشته شده است. در یکی *l* به صورت خطی صاف و در نوع دیگری به صورت عصایی به نمایش در آمده است.

در نهایت به درباره‌ی سیر تحول خط پهلوی اشکانی ظاهر گشته بر پشت درهم‌های سیمین ضرابخانه‌ی اکباتان طی سال‌های ۵۱ تا ۲۲۸ میلادی، می‌توان سه دوره‌ی مختلف را بدین شرح ارائه داشت:

دوره‌ی نخست که شاید بتوان از آن به عنوان "دوران زرین خط پهلوی اشکانی بر روی درهم‌های اکباتان" که از سال ۵۱ میلادی آغاز شد و تا پیرامون سال ۱۷۰ میلادی (بلاش یکم تا میانه‌ی دوران پادشاهی بلاش چهارم) ادامه یافت و اصلی‌ترین شاخصه‌ی آن زیبایی در نحوه‌ی نگارش نویسه‌ها و خوانایی خط می‌باشد؛ دوران دوم یا "دوره‌ی افول خط پهلوی اشکانی بر پشت درهم‌های اکباتان" که از پیرامون سال ۱۷۰ تا ۲۰۸ میلادی (از میانه‌ی پادشاهی بلاش چهارم تا پایان شاهی پادشاهی بلاش پنجم) را در بر داشت و از

اصلی‌ترین ویژگی‌های آن می‌توان به تغییر در شیوه حکاکی و نقر نویسه‌ها بر روی سَرَسکه و ساده‌تر شدن خط پهلوی اشکانی، اشاره نمود؛ و دوران سوم یا "دوره‌ی ساده‌نگاری نویسه‌ها بر پشت درهم‌های اکباتان" که اصلی‌ترین پیامد آن تشابه برخی از نویسه‌ها به یکدیگر و در نهایت سختی در خوانش و تشخیص آنها مقارن با پادشاهی بلاش ششم تا زمان آرتاباز (از سال ۲۰۸ تا ۲۲۸/۲۲۷ میلادی) می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این امر را جورجیانا هرمان در کتاب "تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان" (۱۳۹۲: ۵۸) مطرح می‌کند، ولسکی نیز باور دارد که نوشته‌ها یونانی قبل از بلاش یکم مخدوش شده و بلاش یکم به جای یونانی از پهلوی اشکانی استفاده کرد (۱۳۸۳: ۱۹۴). در این خصوص ملکزاده بیانی نیز اذعان می‌دارد: در دوره سلطنت بلاش اول (۵۱-۷۸ م) برای نخستین بار خط پهلوی اشکانی بر سکه به کار رفته است (۱۳۸۱: ۴۶)؛ و دیاکونوف نیز در کتاب "اشکانیان" خود به این موضوع اشاره می‌نماید (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۹۶).
۲. دیوید سلوود نیز در مقاله‌ای تحت عنوان سکه‌های پارتی (اشکانی) در کتاب تاریخ ایران کمبریج، در این رابطه این‌گونه اشاره می‌کند: نوشته‌های سکه‌های ارشک یکم آرامی و یونانی می‌باشند (Sellwood, 2006: 280). همچنین با توجه به تحول خطوط آرامی موجود و مقایسه آنها مشخص شده است که نوشته "کرنی" بر سکه‌های ارشک یکم به خط آرامی است (بارشاتر، ۱۳۸۳: ۳۸۲). دلیل آن هم این است که اشکانیان چادر نشین و بیابانگرد که از استپ‌های شمال شرقی وارد پارت شدند ناچار بودند برای ضرب سکه‌ها از نقوش و خطوط موجود استفاده کنند. اشکانیان هیچگاه پیش از این تجربه سکه‌زنی نداشتند و مردمان زیر فرمانشان سکه‌ای ندیده بودند. ناچار از آپولوی نشسته براومفالوس پشت سکه‌های سلوکی، از کلاه ساتراپی (باشلق) کالکوه‌های مفرغی آریارات سوم کاپادوکیه، از نوشته‌های یونانی سکه‌های سلوکی و همچنین از خط آرامی سکه‌های فرمانروایان مستقل چون آندراگوراس استفاده می‌کردند (آلرام، ۱۳۹۱: ۵۷۱).
۳. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به کتاب یوسف افتخاری، "گونه‌شناسی سکه‌های اشکانی" (۱۳۹۶: ۸) و کتاب کیارش غلامی، "سکه‌های اشکانی" (۱۳۹۲: ۶۶۵-۸۶۰).

کتاب‌نامه

آلرام، میخائیل (۱۳۹۱). چگونگی و وظایف سکه‌شناسختی اشکانیان، در: *امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن*، برگردان هوشنگ صادقی و دیگران، تهران: فرزاد روز.

آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد (۱۳۸۲). *زبان پهلوی ادبیات و ادبیات و دستور آن*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات معین.

افتخاری، یوسف (۱۳۹۳). *سکه‌شناسی شاهان هخامنشی*، تهران: پازینه.

افتخاری، یوسف (۱۳۹۶). *گونه‌شناسی سکه‌های اشکانی*، بیرجند: فُهستان.

افتخاری، یوسف، و جمشیدی درمنی، محمود (۱۳۹۶). *فرهنگ نمادها بر سکه‌های اشکانی*، تهران: دایره‌ی دانش.

استوارت، سی. براون (۱۳۸۷). اکباتان، ترجمه‌ی رضا دستجردی، *نشر آموزش تاریخ*، شماره‌ی ۳۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۰۹-۱۳۱۱ ق.). *دررالتیجان فی تاریخ بنی‌اشکان*، طهران: دارالطباعة دولتی.

اولبریخت، مارک (۱۳۹۲). *فرهنگ مناطق استپی و روابط میان جمعیت کوچ‌گر و یکجانشین*، در: *امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن*، برگردان هوشنگ صادقی و دیگران، تهران: فرزانه روز. پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن (۱۳۹۰). *پارس تا پارت تصحیح و اضافات ایران‌دخت مرزبان*، تهران: نشر محور.

تفضلی، احمد و آموزگار، ژاله (۱۳۷۵). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، چاپ دوم، تهران: نشر سخن. جعفری دهقی، محمود (۱۳۹۱). *نقش سکه‌شناسی در بازشناسی تاریخ و فرهنگ ایران*؛ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا.

دیاکونف، م، م (۱۳۵۱). *اشکانیان*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.

دیلمقانی، جلال (۱۳۹۵). *تاریخ اشکانیان به روایت سکه‌ها*، تهران: پازینه.

سبزعلی، مهدی؛ گودرزی، علیرضا؛ خزائی کوهپر، مصطفی و خادمی ندوشن، فرهنگ (۱۳۸۹). *مطالعه‌ی وضعیت اقتصادی اشکانیان در دوران مهرداد اول و مهرداد دوم*، بر اساس آزمایش سکه‌های نقره‌ی یک‌درهمی، به وسیله‌ی دستگاه XRF، *پیام باستان‌شناسی*، شماره‌ی ۱۳، علمی پژوهشی، ۹۱-۱۰۰. سرفراز، علی‌اکبر و آورزمانی، فریدون (۱۳۸۴). *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه*، تهران: نشر سمت.

سوادبی، بیتا (۱۳۸۹). *تحلیل باستان‌شناختی تحولات تاریخی و اقتصادی پارت‌ها براساس مسکوکات در طی ۲۴۷ تا ۲۵۰ قبل از میلاد*، رساله دکتری رشته باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

شکوری‌فر، ملیحه و نصرالله‌زاده، سیروس (۱۳۹۵). *پیگیری سنت‌های ایرانی در سکه‌های اشکانی*، *جستارهای تاریخی*، پژوهگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره اول. تابستان ۱۳۹۵، ۲۱-۴۶.

شپیمان، کلاوس (۱۳۸۴). *مبانی تاریخ پارتیان*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: نشر فرزانه.

بررسی سیر تحول خط پهلوی اشکانی بر سکه‌های درهم سیمین ... ۳۹

صالحی گروس، مهناز؛ هژبری نوبری، علیرضا و حاجی ولیی، مهدی (۱۳۹۴). تحلیل اوضاع اقتصادی - سیاسی دوره‌ی اشکانی (۴۳ تا ۲۰۸ میلادی) براساس مطالعه‌ی سکه‌ها نقره‌ی گودرز دوم و خسرو دوم ضرب ضرابخانه

هگمتانه با استفاده از روش PIXE، *جامه‌شناسی تاریخی*، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۳، علمی پژوهشی/ISC، ۳۰۱-۳۱۶.

غلامی، کیارش (۱۳۹۲). *سکه‌های اشکانی*، تهران: پازینه.

کالج، مالکوم (۱۳۸۰). اشکانیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات هیرمند.

گوبل، رابرت (۱۳۹۱). سکه‌زنی، در: *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی*، برگردان هوشنگ صادقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ملکزاده بیانی، ملکه (۱۳۸۱). *تاریخ سکه از قدیم‌ترین ازمه تا دوره ساسانیان*، جلد یک و دو، چاپ ششم، تهران: دانشگاه تهران.

ولسکی، یوزف (۱۳۸۴). *شاهنشاهی اشکانی*، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

هرمان، ج، رچینا (۱۳۷۳). *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان*، ترجمه‌ی مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

یارشاتر، احسان (۱۳۸۳). *تاریخ ایران کمبریج*، سرزمین ایران، ویراسته ویلیام بین فیشر، ترجمه تیمور قادری، ج ۳، ق ۱، از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان.

Alram, M. (1998). *Stand und Aufgaben der Arsakidischen Numismatik: Das Partherreich Und Seine Zeugnisse*, ed. Josef Wiesehöfer, Franz Steiner Verlag, Stuttgart, pp. 205-258.

Assar, G. R. F. (2005). The Genealogy of the Parthian King Sinatruces, the journal of the Classical and Medieval Numismatic Society.

Bivar, A. D. H. (1983). The History of Iran under the Arsacids, in Yarshater, Ehsan, Cambridge History of Iran. 3. 1. London and New York: Cambridge University Press, pp. 21- 99, ISBN.

De Markoff, A. (1877). *Les monnaies des rois Parthes*, Paris: A la Librairie Numismatique de C. Van Peteghem .

De Morgan, J (1923). *Anuel De numismatique orientale De l'Antiquite Et Du moyen age*. Paris.

Foy-Vaillant, Jean (1725). *Arsacidarum imperium, sive regum Parthorum historia, Ad fidem numismatum accommodata*, Paris: C. Moette .

Gardner, Percy (1877). *Parthian coinage*, Trubner & Co.

Göbl, R. (1971). *Sasanian Numismatik*, Braunschweig.

Lindsay, John (1852). *History and coinage of the Parthians*, John Crowe.

Mitchiner, Michael (1978). *Oriental Coins and Their Values: The Ancient and Classical World, 600 B. C. - A. D. 650*, London, Hawkins Publications.

Petrowicz, Alexander Ritter von (1904). *Arsaciden-Münzen. Sammlung Petrowicz - Katalog mit 25 lichtdrucktafeln*, Vienna, Petrowicz.

- Sarkhosh Curtis, Vesta (2007). *The idea of Iran*, I. B. Tauris.
- Sear, David (1979) *Greek Coins and Their Values: Asia Minor, Africa, and the Hellenistic empires*, London, B. A. Seaby Ltd. vol. 2 .
- Sellwood, David (1980). *An Introduction to the Coinage of Parthia*, London, Parady& son.
- Sellwood, David (2006). The Parthian coins, in: *The Cambridge history of Iran*, vol. 3(1). Cambridge University Press .
- Shore, F. B. (1993). *Parthian Coins & History -Ten Dragons against Rome*, Quarryville, PA, Classical Numismatic Group.
- Sinisi, Fabrizio (2011). The coinage of the Parthians, in: *The Oxford handbook of Greek and Roman coinage*, Oxford University Press.
- Tafazzoli, A. (1986). "Āraš Kay", *Encyclopædia Iranica*, Vol. II, Fasc. 3.
- Von Gutschmid, Alfred (1888). *Geschichte Irans und seiner Nachbarländer*, Tübingen.
- Wroth, Warwick (1903). *Catalogue of the coins in British Museum: Catalogue of the coins of Parthia*, London.
- www.thenewyorksale. Com, Action xxx VII

ضمیمه:

الف: سال‌شمار شاهان اشکانی

جدول ۲: سال‌شمار شاهان اشکانی که بر سکه‌هایشان خط پهلوی اشکانی نگاشته شده است.

۱	بلاش یکم	۵۱-۷۷ م
۲	بلاش دوم	۷۸-۷۹ م
۳	پاکور دوم	۷۸-۱۱۵ م
۴	مهرداد چهارم	۱۲۸-۱۴۸ م
۵	بلاش چهارم	۱۴۸-۱۹۰ م
۶	خسرو دوم	بیرامون ۱۹۰ م
۷	بلاش پنجم	۱۹۱-۲۰۸ م
۸	بلاش ششم	۲۰۸-۲۲۲ م
۹	اردوان پنجم	۲۱۶-۲۲۴ م
۱۰	آرتاباز	۲۲۴-۲۲۷/۲۲۸ م

ب: بررسی اثر دستخط قلم‌زن

۱۴ نمونه از درهم‌های خسرو دوم اشکانی (حدود ۱۹۰ م) در تصویر ۴ نمایش داده شده‌اند. علی‌رغم این‌که این درهم‌ها در طول سالیان گوناگون فرمانروانی خسرو دوم ضرب شده‌اند؛ در این نمونه‌ها به روشنی دیده می‌شود که نویسه‌های پهلوی اشکانی در هیچ‌کدام از آن‌ها دستخوش تحول نشده است و نه تنها گذشت سالیان کوتاه در دوره‌ی شاهی یک فرمانروای اشکانی بر روی دستخط قلم‌زن نوشته‌های سکه‌ها اثری ننهاده است بلکه دستخط قلم‌زن در نمونه‌های مختلف از یک گونه‌ی سکه‌ای (در اینجا: ۱۴ نمونه از گونه‌ی ۸۵ سلوود) در آن دوره ثابت مانده است. این موضوع درباره‌ی سکه‌های درهم سیمین دیگر فرمانروایان اشکانی نیز که در این پژوهش بررسی شده‌اند، صادق است و توسط نگارنده تأیید می‌شود.





بررسی سیر تحول خط پهلوی اشکانی بر سکه‌های درهم سیمین ... ۴۳





تصویر ۴: نمونه‌های مختلف از درهم سیمین خسرو دوم ضرب اکباتان (سلوود، گونه‌ی ۸۵)